

چهارشنبه ۰۴ / ۱۲ / ۱۴۰۰ جلسه ۹۱

موضوع: فقه شعائر / بررسی موانع تعظیم شعائر / استهزاء و هتک دین و متدینین

در برابر تعظیم شعائر ۳ مانع و مناقشه عمده وجود دارد:

مانع اول: تعظیم شعائر سر از بدعت در می‌آورد. بدعت: کل ما لم یکن من الدین و یا کل ما لا یعلم أنه من الدین، اگر چیزی را داخل در دین کردیم و یا اگر چیزی را که می‌دانیم از دین نیست، داخل در دین کردیم، بدعت است.

وقتی می‌دانیم چیزی از دین است، نه اینکه می‌دانیم از دین نیست و یا ندانیم که از دین است یا خیر، این مصادیق سر از بدعت در نمی‌آورد. به علاوه اگر قرار باشد این مصادیق بدعت باشند، خیلی از کارهایی که ما می‌کنیم، به آن اعتبار نزد شما می‌شوند بدعت. اینطور نیست که بگویید در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نبوده و الان آمده، پس بدعت است. مثلاً در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ویلچر نبوده و با شتر و یا پیاده طواف می‌کردند، آیا این بدعت است؟ خیر. پس تغییر در مصادیق سبب بدعت شدن نیست.

مانع دوم: تعظیم شعائر سر از خرافه در می‌آورد. پایه خرافه بر اساس موهومات و متخیلات است. یعنی یک امر موهوم و خرافه‌ای را در وسط کار بیاوریم. اصلاً خود خرافه اسم کسی بوده که می‌گفتند جن زده شده و حرف‌های عجیبی می‌زند که پایه و اساسی ندارد. در بحث ما نحن فیه بحث تعظیم شعائر مبتنی بر موهومات و متخیلات نیست بلکه وقایع و حقایقی است که انسان در آن قالب تعظیم شعائر دین می‌کند پس تعظیم شعائر نه بدعت است نه خرافه.

مانع سوم: تعظیم شعائر استهزاء و هتک دین است. شاید کسی بگوید تعظیم شعائر سبب استهزاء و یا سبب هتک - اعم از هتک دین یا هتک متدینین - است. چه کسی گفته تعظیم شعائر سر از استهزاء یا هتک دین یا هتک متدینین در می‌آورد؟ در این صورت کارهای دیگری هم هست که حتی سنی‌ها هم انجام می‌دهند و به آن معتقد هستند و برایشان فرقی نمی‌کند. مثلاً دو تا لنگ به خودشان می‌بندند و دور کعبه می‌چرخند. اگر دشمن این کار را به استهزاء و سخریه گرفت، آیا ما دست از این کار برمی‌داریم؟ چرا میلیون‌ها گوسفند را در صحرا می‌کشیم؟ آیا این کار را استهزاء و هتک دین می‌گفتند؟ چرا حاجی‌ها در عمره مفرده بعد از سعی صفا و مروه سرهای خود را تیغ می‌زنند؟ یا چرا در حج تمتع به دیوار سنگ می‌زنند؟ آیا اینها استهزاء ندارد؟ آیا استهزاء سبب می‌شود که دست از اصل دین و شعائر دین برداریم؟ ما هم کارهایی مثل زنجیر زنی و سینه زنی را نمی‌گوییم چون اگر قرار باشد دشمن این کارها را استهزاء کند، آیا باید از آنها دست برداریم؟ اتفاقاً قرآن می‌فرماید ﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾^۱، خدای تعالی آنها را استهزاء می‌کند.

^۱ . سوره بقره، آیه ۱۵.

بسیاری از مردم اصل دعوت انبیا را استهزاء کردند. مثلاً ساختن کشتی توسط حضرت نوح (علیه السلام) را استهزاء می کردند. آیا حضرت نوح (علیه السلام) دست از کار الهی خود برداشتند؟ پس اگر اثبات کردیم که از دین است - چه به دلیل خاص چه به دلیل عام - هراسی نداریم.

پس در مانع سوم هتک دین نشده است. چون اگر قرار بر هتک دین باشد، دشمن همه کارهای ما را هتک دین می کند. مثلاً می گویند وقتی شخص را از خواب بیدار می کنید که نماز صبح بخواند، او را اذیت می کنید. پس استهزاء معنا ندارد.

هتک دین بر چه اساسی است؟ یا می گویند موهومات و خرافات است، یا می گویند بدعت است، یا می گویند کارهای غیر عقلایی است. که البته اینگونه نیست. استهزاء و هتک دین دو مفهوم است اما از نظر استعمال تقریباً ملازمه دارد. چون وقتی نسبت به دین یا متدینین زمینه استهزاء باشد، زمینه هتک دین و هتک متدینین هم هست.

پس به صرف اینکه دشمن استهزاء می کند یا هتک می داند، در حالیکه رگ و ریشه شریعت در آن است، دست از کاری که شرع بر آن صحه گذاشته، بر نمی داریم. باید اثبات شود که شرع به دلیل عام و مطلق یا به دلیل خاص صحه گذاشته است. لذا تعظیم شعائر به هیچ عنوان هتک دین نیست و در این زمینه مشکلی تولید نمی شود.

از نظر اصل، تعظیم شعائر در بعضی از موارد واجب و در بعضی از موارد مستحب است. اما ترک تعظیم شعائر به نحو کلی حرام است لذا اهانت به شعائر دین حرام است و اگر ترک کردن ها سر از بی اعتنائی و اهانت به شعائر دین در بیاورد، مرتکب حرمت شده ایم.

از نظر فرع برای مطلوبیت و رجحان تعظیم شعائر - اعم از وجوب و ندب - ۵ دلیل قائم کردیم:

۱- آیات

۲- روایات

۳- اجماع

۴- دلیل عقل

۵- بناء عملی عقلانی

آیا شعائر در ۲ یا ۳ شعیره خلاصه می شود؟ ﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾^۲، ﴿إِنَّ الْمَصْفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾^۳. آیا شعائر الله همین ۳ تا است یا عام و مطلق است؟ اینکه می گویند اگر انجام دادن بعضی از شعائر سر از هتک دین در بیاورد، حرام است، ما هم می گوییم حرام است. اما در ترک تعظیم شعائر هم اگر استخفاف به دین شود، حرام است.

۲. سوره حج، آیه ۳۶.

۳. سوره بقره، آیه ۱۵۸.

گاهی تعظیم شعائر ضرورت دینی است. شعائر دین مثل جلسات روضه، مدح، جشن‌ها، اعیاد، سیاه‌پوشی، عزاداری امام حسین (علیه السلام) و امثالهم که اگر اینها را از دین بگیریم، دین جوانان و مردم در کجا درست شود؟

گاهی تعظیم شعائر ضرورت عبادی است. مثلاً چرا اسلام تا این حد به نماز جماعت تأکید کرده است؟ مگر خدای متعال نمی‌توانست بگوید همانطور که در هر محله یک مسجد دارید، در هر شهری یک کعبه داشته باشید.

گاهی تعظیم شعائر ضرورت اجتماعی است و باید جمعی باشد بسیاری از این شعائر جمعی باشد. اینکه می‌گوید ﴿يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾^۴، از هر نقطه دوری باید حول کعبه بچرخند، چرا این جمعیت را از سراسر دنیا می‌آورند؟ مثلاً اگر قرار باشد هر کسی در خانه مطالعه کند، آیا تعظیم شعائر اینگونه درست می‌شود؟

گاهی تعظیم شعائر ضرورت فرهنگی است و همه ملل از این نوع ضرورت‌های فرهنگی دارند. مثلاً چرا کلیسا می‌گوید یکشنبه‌ها در کلیسا جمع شوید؟ چرا در مسابقه فوتبال هر کس با یک توپ نمی‌دود؟ چون می‌خواهند حس اعتماد، حس مقاومت در مقابل حریف و نقطه اشتراک هدفشان با هم یکی شود.

تعظیم شعائر احیاء تاریخ امت است. اگر قرار باشد اینها را کنار بگذاریم، تاریخ به فراموشی می‌رود.

گاهی تعظیم شعائر ضرورت امنیتی است. مثلاً در ماه رمضان مشکلات امنیتی، دزدی و امثالهم نسبت به ماه‌های دیگر کمتر می‌شود. تعظیم شعائر یک ضرورت است برای تجدید دین.

گاهی تعظیم شعائر ضرورت سیاسی و نمایش اقتدار جامعه است.

گاهی تعظیم شعائر ضرورت اعتقادی است. در تعظیم شعائر مبانی اعتقادی تبیین یا تحکیم می‌شود. زیربنای بسیاری از این شعائر یک ضرورت اعتقادی است. مثلاً ما امام حسین (علیه السلام) را پذیرفتیم و می‌گوییم هدف ایشان هدف مقدسی بوده، پس باید در مقابل کسانی که به ایشان ظلم کردند، می‌ایستادیم. پس تعظیم شعائر باعث مقاومت در برابر ظلم، تواقیت، استهزاء دین، هتک دین، احیاء دین و امثالهم می‌شود. آیا اینها ضروریات، آثار و فوائد نیست؟

لذا در کبراهای کلی هم ادله سته (ادله اربعه، بناء عملی عقلانی، سیره متشرعه) بر تعظیم شعائر دلالت و مطلوبیت ذاتیه دارد. اگر ترک تعظیم شعائر سر از استخفاف در بیاورد، حرام و مکروه است.

^۴ .سوره حج، آیه ۲۷.